

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

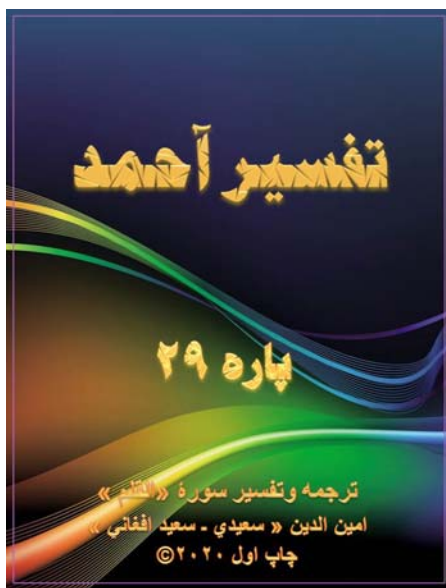
الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعید افغانی

۱۰ مارچ ۲۰۲۰

پاره ۲۹

ترجمه و تفسیر سورة «القلم» - ۳

بسم الله الرحمن الرحيم



به ادامه گذشته:

مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتَيْمٌ (۱۲)

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و تجاوزگر و گنهکار است.

(۱۲)

«مَنَاعٌ» و یا هم «مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ» شاید بخل در مال باشد، شخصی که خود را از خیرات و حسنات دورنگاه می‌دارد که کنایه از بخیل و تنگ‌چشم است. بسیار بازدارنده مردم از انجام خیرات و حسنات (آیت ۲۵ سورة ق)

«مُعْتَدٍ»: متجاوز، تجاوز پیشه (آیت ۱۹۰ سورة بقره، آیت ۸۷ سورة مائده و آیت ۱۰ سورة توبه)

«أَتَيْمٌ» «گناهکار». (مراجعه شود به آیت ۲۷۶ سورة بقره، آیت ۱۰۷ سورة نساء و آیت ۲۲۲ سورة شعراء).

عُتِلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ (۱۳)

علاوه از این ها کینه توز و بی اصل و نسب است. (۱۳)

آنان در کفرشان پابند اند، مکر و فریبی قوی دارند. «عُتِلَّ» به معنای خشن درشتخو. سنگین دل و قوی القلب آمده زشتخوی (روح البیان).

«زَنِيمٌ» به کسی گفته می‌شود که اصل و نسب روشنی ندارد و به قومی نسبت داده نمی‌شود، حرامزاده. البته کسی که مجمع بدیها و منبع زشتیها باشد، ناانسان و ناکس به شمار است، و از زمره انسانها محسوب نمی‌گردد.

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

بدان خاطر که صاحب مال و فرزندان بسیار است (مبادا از او اطاعت کنی!) (۱۴)

با در نظر داشت این که آنان دارای مال و فرزندان بسیاری اند ، ولی در فساد و کفر به پروردگار خویش زیاده روی می‌کنند، بهتر بر آنان این می‌باشد که شکر پروردگار را به عمل آرند و به کفران نعمت نپردازند، تواضع در پیش گیرند و از تکبر دست بردارند.

إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

هنگامی که آیات ما براو خوانده می‌شود، می‌گوید: همان افسانه‌های پیشینیان است. (۱۵)

«أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» «اساطیر» جمع کلمه «اسطوره» بوده که به معنای حکایات قصه‌ها و افسانه‌های خرافی است که به صورت کتبی آورده شده است، و یا هم جمع «اسطار» به معنای سطرهائی که از روی کتب پیشین، نسخه برداری شده باشد.

کلمه اساطیر نه بار در قرآن عظیم الشان از زبان کفار نقل شده، که هشت بار آن در سوره‌های مکی و یک بار آن در سوره مدنی انفال آمده است.

در همه‌ای موارد همراه کلمه «اولین» یکجا آمده است. یعنی آنها می‌گفتند: این حرفها موضوع جدید نیست، بلکه همان گپ‌های قبلی‌اند.

در قرآن عظیم الشان یک بخشی از آن قصه‌ها و داستان‌ها متعلق به اقوام پیامبران است که مردم زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم از این قصه‌ها اطلاع نداشتند، بناءً حکم کردن به این داستان‌ها به نام «اساطیر الاولین» توسط کفار خطاء محض است. پیامبر صلی الله علیه وسلم از بیشتر این قصه‌ها بی‌خبر بودند. پس چگونه می‌توان به قرآن نسبت (اساطیر الاولین)؟ را داد.

در آیت «إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» سومین اتهام است که از جانب مشرکین بر رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد می‌شود، طوری که در آیات فوق مطالعه فرمودیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم را متهم به «مجنون» و «مفتون» کرده بود که از جانب پروردگار متعال به دلداری و دعوت به صبر در برابر این اتهامات دعوت شد. مشرکان با این اتهامات می‌خواستند منشأ الهی آیات قرآن عظیم الشان را زیر سؤال قرار دهند. طوری که در آیت ۴۷ همین سوره می‌خوانیم: «أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ» (یا غیب نزد آنان است و آنان از روی آن می‌نویسند) و خود با تکیه بر آن به ادعاهای خود یقین می‌کنند و به دیگران هم خبر می‌دهند؟

هکذا با نام‌های «سحر مبین» و «افک قدیم» و «اساطیر الاولین» نسبت‌های نا‌روای مشرکین بود که به پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بطور دایم نسبت می‌دادند.

سَنَسِيحُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ (۱۶)

بزودی بر خرطوم و بینی‌اش داغ رسوائی و خواری می‌نهم. (۱۶)

«سَنَسِيحُهُ» علامت‌گذاریش خواهیم کرد. که همانا هدف داغ کردن است.

«الْخُرُطُوم» بینی، در اصل به بینی حیوانات از جمله به بینی فیل خطاب می‌شود و در این آیت مبارکه هدف اینست که بر بینی‌اش نشانه‌ای از خواری، ننگ و ملامت بگذاریم، تا بدان علت در پیش روی مردم بی‌آبرو و رسوا شوند.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

بی‌تردید ما آنان را آزمایش کردیم همان‌گونه که صاحبان آن باغ را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که قسم خوردند که صبحگاهان حتماً میوه‌های باغ را بچینند، (تا فقیران آگاه نشوند). (۱۷)

«بَلَوْنَاهُمْ»: ما آنان را آزمایش کردیم، هدف از (هُمْ) مشرکان مگه است. «لَيَصْرِمُنَّهَا»: آن را خواهند چید. «مُصْبِحِينَ»: در حالی که به صبحگاهان برسند. حال فاعل (لَيَصْرِمُنَّهَا) است. از (أَصْبَحَ) تأمه است.

شان نزول:

۱۱۲۹ - ک: ابن ابو حاتم از ابن جریج روایت کرده است: ابوجهل در روز بدر به مشرکین گفت: مسلمانان رابه سرعت دستگیر ودر بند وزنجیر نمائید اما هیچ کدام را نکشید، پس آیت «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ» نازل شد. آیت مبارک می گوید: این فکر شان که آنها مقتدر وتوانا هستند به زیان آنها ست چنانچه نیت بد واحساس اقتدار صاحبان باغ به زیانشان تمام شد ومیوه های باغ را آفت زد. (قابل تذکر است که مالکین باغ اصلاً از اهالی حبشه بودند پدر شان انسان خیرخواه بود، همیشه از محصولات باغ خویش به فقراء توزیع می کرد، و نیازمندان را طعام وصدقه می داد، بعد از این که پدر شان وفات یافت پسران شان گفتند «به الله قسم است که پدر ما احمق بود که محصول باغ را میان مساکین، فقراء ونیازمندان تقسیم می کرد، آنان بدون این که رضای پروردگار متعال را در نظر بگیرند، قسم یاد کردند که صبح وقت زمانی که از خواب برخیزند، میوه باغ را بچینند وبه نیازمندان ومساکین هیچ ندهند.

پس آن شب در حالی که آنان خواب بودند به امر الله عزوجل آفتی به آن باغ رسید درنتیجه آن سوخته وخاکستر گشت. صبح هنگام یک دیگر را صدا زدند که اگر مایل به چیدن میوه هستید محصول کشت وزرع را دور (می کنید) صبح زودبه باغ بروید، آنان روان شدند وآهسته به هم می گفتند: «امروز نباید هیچ نیازمندی به باغ وارد شود» با توانائی که به خود می دیدند هنگام صبح به جدیت به سوی باغ در حرکت بودند، در لحظاتی که به باغ رسیدند دیدند که به محصول شان آفت رسیده واز بین رفته است. یکی از آنها گفت: ما راه باغ خویش را (گم) کرده ایم باغ ما اینجا نیست. اما آن که خود می دانست راه را گم نکرده اند واین باغ خودشان است گفت: نه، بلکه ما از محصولات ومیوه های باغ محروم شده ایم وشخصی که در بین آنها عادل وعافل بود گفت: وقتی که عزم کردید میوه باغ را (بیچینید) وبه نیازمندان هیچ کمک نکنید، نگفتیم که رضای الله تعالی را در نظر بگیرد، گفتند: الله ما پاکیزه وقابل ستایش است، ما واقعاً ستمگر وظالم بودیم یکدیگر را ملامت ونکوهش کردند وبه سرکشی وطغیان خویش اعتراف نمودند.

ابتلاء و آزمایش:

ابتلاء و آزمایش یکی از سنت های الهی است که درزیادتر از موارد جهت رشد و تعالی انسان صورت می گیرد. امتحان الهی حقیقت ایمان انسان را آشکار کرده و معیار پاداش و جزای انسان قرار می گیرد. علاوه بر این پیروزی در امتحان الهی موجب بهره مندی انسان از رحمت و مغفرت بی پایان الهی و افزایش ایمان و تربیت نفس او می شود. طوری که می فرماید: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ» (ما کافران را (به قحط و سختی) آزمودیم چنان که اهل آن بستان را آزمودیم، که قسم خوردند که صبحگاه میوه اش را بچینند (تا فقیران آگاه نشوند).

یکی از دروس سنت الهی همین است هر طرحی که به محروم کردن فقراء منجر شود، ناکام است ونباید فراموش کرد که قهر الهی صرف وصرف ویا هم مخصوص آخرت نیست بلکه گاهی در دنیا به طور سریع واقع می شود. طوری که یاد اور شدیم در زیادتر از موارد جنبه تربیتی دارد.

در آیت متبرکه دریافتیم که: «لَا يَسْتَنْتُونَ ... فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» جزای جرم برای صاحبان باغ متناسب تر بود، چون آنان فقراء را محروم کردند پس ایشان از حاصل باغ محروم شدند.

وَلَا يَسْتَنْتُونَ (۱۸)

وهیچ استثناء نکردند (ان شاء الله)، (اگر الله بخواهد) نگفتند و به خواست الله معتقد نبودند (۱۸)

« لَا يَسْتَنْتُونَ » چیزی فرو نگذارند. برای محتاجان چیزی کنار نگذارند و بدیشان ندهند (سوره: انعام / ۱۴۱) .
«لَا يَسْتَنْتُونَ» «انشاءالله نگفتند، واستثناء هم قایل نشدند»

وارثان باغ بین خود قسم یاد کردند، وطوری که یاد آور شدیم؛ هیچ استثنائی در پلان خویش قایل نشدند و به اصطلاح به انجام کارشان هیچ فکر نکردند، و خواست حق تعالی را فراموش کردند.

در این هیچ جای شک نیست که پروردگار با عظمت ما حامی و مدد رسان فقراء است، در داستان متذکره فقراء و مساکین اصلاً از تصمیم و پلان وارثان باغ اطلاعی نداشتند، ولی پروردگار به حمایت از فقراء و برای تنبیه وارثان بخیل، باغ را سوزاند.

درس عالی که از این آیت متبرکه به دست می آید اینست که کامیابی انسانها در انحصار محاسبات شخصی شان نمی باشد، طوری که وارثان باغ چیزی را محاسبه نموده بودند، و در نهایت نتیجه چیزی دیگری شد. ثروتی که فقراء و مساکین از آن (بی بهره) شوند، نبودنش بهتر است، حرص و بخل، سبب زیادت سرمایه و کامیابی نمی شود، از یاد نباید برد که: نیت بد، اگر همراه با برنامه ریزی و انجام اقدامات مقدماتی باشد، جزائی را به همراه دارد.

فُطِفَتْ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

پس عذابی (بلائی فراگیر) از سوی پروردگارت آن باغ را در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، فرا گرفت. (۱۹)
شب هنگام که آنان در خواب فرو رفته بودند، ، بلای بزرگ و فراگیری از جانب پروردگارت سراسر باغ را در بر گرفت، و در باغ (آتش سوزی نازل شد و) همچون شب (تاریک و سیاه) گردید ! زیرا آنان می خواستند، میوه های باغ را در خفا و در بی خبری از فقیران و مسکینان برچینند.

«طَائِفٌ»، آفت و بلائی است که از جانب پروردگار بر باغ آمد و آن را سوزاند و به خاکستر مبدل ساخت .
«نَائِمُونَ» «خواب بودند».

خواننده محترم!

قهر و عذاب الهی، گاهی به اشخاص می رسد، طوری که فرعون و سربازان آن در بحر غرق شدند، «اغرقناه و جنود»، گاهی هم به مال می رسد طوری که در داستان اصحاب باغ یمن گذشت، ثمره و میوه باغ شان سوخت ولی خودشان سالم بودند و گاهی به اشخاص و مال، هر دو می رسد، طوری که قارون خودش، خانه اش و مال و دارائی اش به خاک یکسان شد «فخسفنا به و بداره»

بناء بر ما مسلمانان است تا از داستان های قرآن عظیم الشان پند و عبرت گرفت، ما باید سنت های خوب نیاکان و اجداد خویش را سرمشق زندگی خویش سازیم، و به این امر معتقد باشیم که آزمایش یکی از سنت های الهی است. «أَنَابِلُونَاكُم کما بلونا»

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

پس (آن باغ سبز و خرم) همچون به صورت شبی تاریک و سیاه درآمد (و جز خاکستر چیزی در آن دیده نمی شد!)
(۲۰)

واقعاً ثروت و دارائی که فقراء و مساکین، از آن بهره مند نشوند، نبودنش بهتر است. «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» «الْصَّرِيم» «شب سیاه، صَرِيم: بریده شده، زمینی که زراعت آن درو شده است، محصول درو شده و انباشته بر روی زمین، شبانگاه یا پاسی از شب».

یک نقطه را به یاد داشته باشید که حرص و بخل، سبب زیادت سرمایه و کامیابی نمی شود.

فکر و تدبیر انسان در برابر تدبیر پروردگار با عظمت بی ثمر و بی نتیجه است، طوری که وارثان باغ تصمیمی گرفتند که از حاصلات باغ به مساکین و فقراء نمی دهند ولی پروردگار اراده دیگری فرمود. در اینجا جای شک نیست که الله تعالی حامی و مددکار فقراء است، با این که فقراء از تصمیم وارثان خبر نداشتند ولی خداوند به حمایت از فقراء و برای تنبیه وارثان بخیل، باغ را سوزاند و به خاکستر مبدل ساخت. همچنان خدمت خوانندگان باید به عرض رسانیده شود که: کامیابی‌های انسان در انحصار محاسبات خود شان نهفته نیست، طوری که در این داستان محاسبات به گونه‌ای بود، اما نتیجه چیز دیگری شد. به یاد داشته باشید که نیت بد، اگر همراه با برنامه‌ریزی و انجام اقدامات مقدماتی باشد، کیفر دارد.

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱)

و در وقت صبح یکدیگر را صدا زدند (۲۱)

«تَنَادُوا»: هنگام صبح همدیگر را صدا زدند. «یک دیگر را ندا دادند».

«مُصْبِحِينَ»: (سوره قلم / ۱۷) یعنی در اول صبح قبل از این که مساکین آنان را ببینند یا فقیری از رفتن شان به باغ خبر شود، داخل می روند و میوه را می چینند و این شأن و خصوصیت هر بخیل است که از چشم مردم خود را می پوشاند.

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)

اگر می‌خواهید میوه‌های خود را بچینید، صبح وقت حرکت کنید و خویشتن را به کشتزار خود برسانید. (۲۲)

«اغْدُوا»: صبح وقت حرکت کنید.

«حَرْثِكُمْ»: به کشتزار خود (مراجعه فرماید: سوره بقره / ۷۱ و ۲۰۵ و ۲۲۳، سوره آل عمران / ۱۴).

«صارمین»: دروکنندگان، چینندگان».

فَانْطَلَفُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳)

پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم سخن می گفتند (۲۳)

«يَتَخَفَتُونَ»: با همدیگر آهسته آهسته صحبت می کردند.

نباید فراموش کرد که اگر بخواهیم دیگران را از يك جهت محروم کنیم، یقین داشته باشید که پروردگار شما را از چند جهت محروم می‌سازد. «بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ» (محروم از میوه، محروم از پاداش الهی، محروم از دعای فقراء، محروم از رضایت روح پدر، محروم از عزت اجتماعی).

توجه باید داشت، هیچ وخت فکر نکنید که در بازگشت به سوی پروردگار دیر شده و یا هم راه بازگشت بسته شده است، خالق مهربان ما دروازه های توبه را تا به روز قیامت باز گذاشته است، اگر خدا ناخواسته دروازه های توبه بسته شود، انگیزه تکامل از بین می رود، انسان به تباهی، فلاکت و در نهایت امر به سقوط و بد بختی بزرگی مواجه می گردد. نباید فراموش کرد که به جز از توبه هیچ راه برای نجات انسان باقی نمی ماند.

همانطوری که از فهم لغوی و اصطلاحی توبه فهمیده می شود، توبه در حقیقت، پشیمانی قلبی است؛ این ندامت و پشیمانی نه تنها در قلب اراده و تصمیم است بلکه این تصمیم و اراده باید در عمل انسان ظاهر گردد و نشان داده شود، که مهمترین عمل در این مورد همانا انجام واجبات و ترک محرمات است.

در این جای شکی نیست که پروردگار با عظمت ما توبه کسی را قبول می‌کند که واقعاً از عمل نا شایسته خویش از عمق قلب پشیمان و نادم شود و در صدد جبران آن برآید، و وسیله وصول بدین امر نشان دادن در عمل است.

قرآن عظیم الشان می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا» (سوره: بقره آیت ۱۶). (مگر آنها که توبه کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند توبه همچو اشخاص مورد اجابت قرار می گیرد. در این حالت که پروردگار از روی لطف و مهربانی خویش، توبه بنده خود را قبول می کند. عدم پذیرش توبه، خلاف هدف خدا است و الله این کار را نمی کند.

خواننده محترم!

همانطوری که یاد آور شدیم که برای بازگشت به سوی الله دیر نمی باشد «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ» (صاحبان باغ با مشاهده باغ سوخته، از خواب غفلت بیدار شدند و توبه کردند و به سوی خدا روی آوردند.) شکستادن قلب فقراء و محروم ساختن آنان، وعدم کمک و مساعدت به آنان هم کیفر دنیوی دارد و هم کیفر اخروی طوری که می فرماید: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (آیت ۳۳ سوره قلم) (این گونه است عذاب (دنیا) و البته عذاب آخرت بسیار سخت تر است اگر مردم بدانند.). ایمان و اعتقاد داشتن به روز جزا و عذاب روز قیامت، مانع بخل و طغیان و مانع ظلم می شود.

ادامه دارد